

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین سعیدی – سعید افغانی

۱۸/۵/۲۰۱۰

مواد موافقتنامه های بن به بیراهه کشانیده شده اما ...!

(یک چند نکته مختصر بر مصاحبه اخیر محترم د. وحید وحیدالله)

به تاریخ ۲۰۱۰/۴/۱۶ در پورتال افغان جرمن آنلاین مصاحبه جناب جلالی را با محترم د. وحید الله وحید کارشناس ارشد سازمان ملل متحد استماع کردیم. با تشکر از کارکنان پورتال افغان جرمن آنلاین، درین نوشته خواستم مکتی مختصر بر بعضی از جوانب این مصاحبه داشته، نظر و استدلال خویشرا با شما شریک سازم. امید است نکات مندرج این نوشته من امکانات قضاوت و انتخاب موضعگیری دقیقتر را برای شما خوانندگان محترم نیز مهیا ساخته بتواند.

اولتر از همه باید گفت که نسخه ها برای تداوی و پیشگیری بعد از تثبیت مرض و علل آن تجویز و این نسخه ها با تغییر شرایط و احوال مریض و مرض و امکانات وی، تاثیرات جانبی تداوی و ادویه تجویز شده تغییر میکند. به این فهم نسخه های قابل تطبیق واحد در همه حال وجود ندارند.

جای بس مسرت و افتخار است که افغانان ما در سطح بین المللی با اجرای کار های بزرگ و امر صلح جهانی مصروف و برای خیر، صلح، انسان و انسانیت کار و فعالیت میدارند. ازین این قبیل شخصیت ها میتوان از جناب "محترم وحید وحید الله" یاد آوری کرد. نکات مثبت مشترک زیادی داریم که به خاطر جلوگیری از ضیاع وقت از تکرار آن جوانب مثبت خودداری میکنم.

به فهم من گذشته از بخشی از جوانب قضیه که توجیهاات مختلف میتواند داشته باشد که بخشی از جوانب آنرا "جناب د. وحید و وحیدالله" توضیح و اظهار نظر کردند اما به فهم من موجودیت شخصیت های افغانی الاصل که شهرت بین المللی دارند به علاوه دیگر نکات، زمینه های این را آماده و مساعد نمود که مردم، ملت و کشور ما افغانستان به توفیق الهی توانست خود را به نحوی از وسیله وسطی به نام پاکستان و دسپایس آن به صورت نسبی رهایی دهند. پاکستانی که افغانستان مستقل و متکی به خود در ستراتیژی های آن نمی گنجد.

اینکه با به قدرت رسیدن آقای جورج بوش – پسر- در امریکا و کشاندن جهان به تقابل کلچر های مختلف و جنایاتی که به نام دیموکراسی، صلح و مبارزه علیه تروریزم صورت گرفته و چه موانع بین المللی در رسیدن به امر صلح در سطح جهانی در آن وقت موجود بود و تا حدی زیادی با تغییر رهبری ادارا قصر سفید به رهبری "جناب باراک

اوباما" به جانب مثبت تغییر کرده و حد اقل در لفظ شمع های امید مردم خیر اندیش جهان روشن شده و امید است بهتر و بهتر شود - نیز یک واقعیت مسلم و انکار ناپذیر است.

به فهم من منظور از بحث اردو و مملکت مستقل در صحبت "جناب محترم د. وحید وحید الله" را که من فهمیدم این بود که در کشور های جهان در بین دولت که مشتمل بر سه عنصر است: قوه اجرائی، قوه تقنینی، قوه قضایی. مسلم است که ادارات استخباراتی در بعضی از کشور ها حکومت در بین حکومت اند. مسلم این است که اداره استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) حکومت است در بین حکومت پاکستان. در ستراتیژی این حکومت در بین حکومت پاکستان افغانستان مستقل، متکی به خود، آزاد و آرام نمی گنجد. این حکومت که من آنرا پالیسی میکران اصلی پاکستان یاد میکنم - در داخل حکومت پاکستان در ظرف سه دهه اخیر به علاوه دیگر در افغانستان امکانات کادری و سیاسی بسیار زیاد قوی و تعیین کننده داشته و دارد. دقیقاً تحت این وضع و حالت بخش عمده از نیرو های سیاسی افغانی وعده زیادی از افراد و شخصیت های مطرح امروزی افغانستان راز پیگیری سیاسیت آزاد و به نفع افغانستان باز میدارد. تا زمانیکه روابط جهان درین راستا در قبال پاکستان تغییر نکند امر صلح و آرامی در افغانستان مشکل و بغرنج خواهد بود.

مسأله صلح و امنیت در افغانستان مسایلی است که امروز باید به آن با دید کوتاه به گذشته اما با تمرکز به حال و آینده متمرکز شد.

چنانچه بار ها گفتیم تدویر کنفرانس ها، سمینار ها، جرگه ها و نشست های افغانی، خارجی و یا هم مشترک برای فهم خود و جستجوی راه های حل و توافق مقدماتی بر قواعد بازی ضروری و خوب اند.

این کنفرانس ها و جرگه ها به ذات خود قابل قبول اند. اما زمانیکه صلاحیت های شان بیشتر از آن باشند که با آسان سازی اراده ملت را تعویض کنند و به جای انستیتوت های دایمی و قبول شده دیموکراسی امروزی جایگزین ساخته شوند - این کنفرانس ها و جرگه ها مردود و غیر قابل قبول اند. ما تکرار کنفرانس بن را که در مقطع زمانی معین قسماً توجیه داشت و آن هم از صلاحیت های خویش پا فراتر گذاشت و خود مشکل برانگیز شد تا حل کننده - رد میکنیم.

در کنفرانس بن و پروسه بعدی آن چنین آسان سازی و عبور از اظهار اراده مردم با عدم به کار گیری درست انستیتوت های قبول شده دیموکراسی و در موارد زیاد با تقلب عبور و اجراءات صورت گرفته که پذیرش آن ممکن نیست. برخورد های آسان ساز دولت سازی برخورد ها و روش های خطاء، نادرست و حل کننده نبوده و خود مشکل ساز اند و خواهند بود.

میتوان همین سه دهه گذشته را که در موارد زیاد سبب ضیاع وقت و به هدر رفتن کمک های جهانی به صورت عمده شد برای دوره های انتقالی کافی دانسته و حالا کار مستقیم برای اظهار اراده مردم صورت گیرد. من به این معتقدم که این کار ممکن است.

اینکه کدام جرگه به شمول لویه جرگه مردمی و تقلبی نیست و کدام جرگه تقلبی است؟ جواب مقنع غیر قابل سؤالی به این سؤال هیچگاه داده شده نمی تواند. اما اینکه کدام انتخابات مردمی، اصلی، شفاف و قانونی است و کدام انتخابات تقلبی است من میتوانم به دقت به جواب آن بپردازم.

مشترکین جرگه کلان های قومی و محلی است که به صورت عنعنوی و در قرون قبلی و تا حال به نحوی قابل قبول و..... راه حل است. اما عصر امروز با وجود نگرانی داری عنعنه های خوب با مراجعه به آراء عام و انتخابات استکاء اساسی و عمده کردن راه دقیقتر و اصلی است.

لویه جرگه ای که به اساس خواست من خواسته و دعوت شود به صورت یقین من همان کسانی را دعوت خواهم کرد که من را "کوته‌الدار" بگویند و من هم ایشان را به پاس خدمات شان برای من "حوال دار" خواهم گفتم. لویه جرگه ایکه "جناب د. وحید وحید الله" دعوت کنند مطمئناً افراد و شخصیت هائی را دعوت خواهند کرد که به نظر جناب شان مردمی و نماینده های ملت اند و با جناب شان شناخت و علایق دارند. نام بخشی از این شخصیت های مناسب را که با ایشان ارتباط دارند آنها خواندند و تکرار کردند که این شخصیت ها ممکن برای شان و عده ای دقیق باشند اما برای عده دیگر افرادی اند که به آنها سروکار نداشتند و آنها را اصلاً نمی شناسند و مکلف به شناخت شان هم نیستند.

لویه جرگه ایکه توسط "جناب رئیس جمهور" خواسته میشود نیز از قاعده بالا خالی نخواهد بود.

بیانید این صلاحیت را به مردم انتقال دهیم.

لذا من برای تصمیم گیری مسایل اساسی و تعیین کننده به کمک لویه جرگه ها برای آماده کردن این زمینه های برای اظهار اراده ملت در انتخابات آزاد توصیه و تأکید دارم.

نهادینه ساختن انستیتوت های دیموکراتیک با تمديد و تکرار کردن دوره های انتقالی و آنها هم برای دوره غیر ضروری و مراحل مختلف در موارد غیر ضروری زمینه را برای بازی های جدید غیر ضروری و نادرست که مانع اظهار اراده مردم و نهادینه ساختن دیموکراسی میگردد شده متیواند و باید تصحیح شوند و مدت آن تنقیص و در موارد بسیار ضروری باشد.

داخل ساختن این و آن در پروسه صلح یک امر ضروری است اما روش و راه های آن که به انتخاب من و یا هم جناب داکتر صاحب باشد با تمام اراده نیک سؤال برانگیز بوده و اظهار اراده ملت نیست. بشریت برای این کار وسیله ممکنى که دارد همان انتخابات آزاد و شفاف است.

تشکل و جابه جا ساختن در سهم گیر ساختن مردم در رهبری و اداره دولتی بعد از نتایج انتخابات موجه و نسبتاً عادلانه است. هر میکانیزم دیگر غیر عادلانه، نادرست، جدا سؤال برانگیز بوده و دقیق نیست.

اینکه ناراضی ها بعد از کنفرانس بن جبهات ملی و تشکلات سیاسی برای اهداف و مقاصد معین ساختند مشکل ندارد و در دیموکراسی یک امر عادى و قابل وقوع است.

ادارات و ارگانهای ایجاد شده که جناب شان آنها را غیر قانونی و غیر مشروع خواندند برای من قابل فهم نیست. این ادارات تشکیل شده به ذات خود مشکلی ندارند. بلکه محتوی آن مهم است. من قبول دارم که از ایجاد ادارات غیر ستندرد مانند اداره مبارزه با فساد اداری، کمیسیون های مستقل این و آن واقعا قوت و منطق ندارند. اگر خرنوالی و پولیس و ادارات عدلی و قضایی موجود دقیق کار بکنند و اگر میکانیزم انتخاب و انتصاب افراد و اشخاص به جای و اساس روابط جیبی، مافیایی، خانوادگی، علایق گروهی و استخباراتی به اساس و نورمهای ستندرد قرن بیست و یک صورت گیرد دیگر ضرورت به ادارات مبارزه علیه فساد و امثال آن وجود ندارد. نمی دانم فهم این مسأله مشکل است که عامل عمده فساد اداری در سیاست کادری غلط نهفته است؟

سیستم های ایجاد شده پارلمان، انتخابات، دولت و اداراتش، قانون اساسی و یک ضرورت و منطق خود را دارند و عدم مشروعیت و عدم قانونیت آن در چه است. بلی افغانستان در مرحله دیگر از انکشاف خود قرار دارد. باید به اعمال و کار های خوب ادامه داد و به شیر ریخته شده گریه های طولانی نکرد. این روش ناله ها و شکوه های طولانی را خطاء، غیر حکمیانه و بی جاء میدانم. به قهرمانی های گذشته نیچیم حالا به راه حل حال و آینده باید پرداخت.

رهبر تفاهمی و رهبر کنسنسوس و قابل توافق همه در هیچ جامعه وجود ندارد و نخواهد داشت. حتی در مقابل پیامبران مخالفت ها و مجادلات وجود داشت. موضع گیری احزاب مختلف اسلامی مطرح افغانی در برابر "مرحوم ظاهر شاه"، ملاحظه ایران از بازگشت روحیه شاهی در منطقه و تغییر شرایط بین المللی و جامعه افغانی نسبت به آنچه "مرحوم محمد ظاهر شاه" میساخت و صحت مرحومی مسایلی است که در مورد "بابای ملت مرحوم محمد ظاهر شاه" و در آوردن شان به حیث اجراء کننده اصلی برنامه صلح و اعمار افغانستان جدا قابل دقت بوده و قابل مراعات بود. حتی جناب شما تأکید دارید که پلان سه فقره ای آن "مرحومی" را شما تحریر داشته اید.

من به این باورم که بخشی از نظریات در تیوری آسان اما در عمل مشکل خود را دارند. مشکل زمانی دوچند میشود که شخص غیر فنی و غیر مسلکی کاری را به پیش میبرد. چنانچه این مشکل در مورد دولت حاکم و بخشی از کارکنان معین شان مطرح بوده میتواند.

میگویند برای هر فن متخصصین اند. هر کس در هر فن سخن زدن و در همه فنون متخصص شدن در قرن بیست و یک با وسعت علوم و فنون جهان ناممکن است. اگر من مخالف اندیشه سیکولاریزم و جدایی دین از سیاست میباشم. این بدان معنا نیست که من برای معلوم کردن قوت و مقاومت پل (به ضم پ) به دلیل اینکه گویا دین (دین اسلام) و سیاست جدا شدنی نیست باید از امام مسجد که تعلیمات دینی دارد نظر و موضع فنی مطالعه کنم. همچنان به دلیل اینکه من دیموکراتم و آراء مردم را در همه چیزی اولویت میدهم لذا باید مردم فریه در مورد پل (به ضم پ) و مقاومت آن نظر ارایه نموده و مطابق آن عمل صورت گیرد. هر دو نظر افراطی و خطاء است. درین سلسله هر علم بخشی از مسایل مطروحه از خود متخصصین دارند که نظر و نسخه شان باید پیشکش شود. تلاش برای جامع الکمالات و عقل کل شدن یک تلاش نادرست و بی جا است. رهبر و پیشوا و شخص اول در پست سیاسی حتمی نیست شخص مسلکی همان رشته باشد. حتمی نیست در رأس مثلا وزارت دفاع شخص نظامی باشد. حتمی نیست در رأس وزارت داخله پولیس مسلکی باشد. کار در بخش های مسلکی و لوی در سنتیز والی و بخش های دیگر مسلکی اداره مذکور تنظیم و شخص اول سیاسی همان بخش (وزیر) که توانایی تفکیک برنامه و نسخه خوب از بد را دارد و در نتیجه اراده مردم و انتخابات مشروعیت سیاسی خویش را به دست آورده - به نسخه افراد مسلکی مهر و قوت سیاسی میبخشد. این است فورمول کادری.

در قسمت دادن بدیل برای کشت و زرع دهقانان افغانی سخن و طرح بدیل و تدابیر مشابه خوب و ضرورت است و بود. اما در عمل پروسه و امکانات مالی و مادی و عدم مراعات یک سلسله ملاحظات مربوط و افراط و تفریط درین مورد مشکل ایجاد خواهد کرد. خرید پیاز و کچالو و از دهقان به قیمت گزاف معادل قیمت مواد مخدره طرح غیر عملی است.

در اروپا و از جمله در فرانسه سبسایدی ها و کمک های معین به دهقانان و زمینداران داشتند و دارند. این برخورد به علاوه دیگر خاصا در سالهای نود قرن گذشته به اعتراضات بسیار شدید و قابل توجیه بقیه جهان و زمینداران خاصا در اروپای شرقی را به همراه داشت.

طرح های اقتصادی و تسهیلات دیگر برای دهقانان و کشاورزان افغانی مندرج در طرح های جناب داکتر غنی احمد زی و بخشی از تدابیر دیگر با دقت بیشتر درین بخش جوانب مثبت منطقی و عملی دارند که جدا قابل دقت، عملی و مطابق به عصر میباشند. (بحث طولانی).

اگر مشکل افغانستان و صلح را حل کردن میخواهید و سازمان ملل متحد و جامعه جهانی میخواهد این مسایل را حل کنند باید به کمک های دوره های (شش ماه الی یکنیم سال و نه سه چهار سال) و اقدامات عملی زمینه اظهار

اراده مردم را در انتخابات آزاد اراده شان در یک انتخابات آزاد و شفاف و به تاسی از آن و در نتیجه آن تحت نظر قانون با تصویب قانون اساسی و ساختار های بهتر قدرت و اداره دولتی در افغانستان باید کار عملی صورت گیرد. افغانان ازین بازی های موقت بازی ها خسته شده اند. دوره های موقت واقعا باید موقت و دارای وظایف و صلاحیت های مشخص و موقت بوده باشد.

عبور و جست و خیز از اراده ملت و با روش های مشابه روش کنفرانس بن که در زمان معین و موقت توجیه خود را داشت و با روشهای آسان سازی دیگر سه جمع پنج و ... کاملاً رد است و مشکل افغانستان را حل نمی کند. باید به قدمهای قدم گذاشت که بشریت تجربه کرده. اختراعات جدید درین مورد به رنج و عذاب مردم ما و مردم صلح دوست جهان میافزاید.

شما میدانید که سبک کار و ضرورت مداخله و موضع فعال سازمان ملل متحد در مورد مطابق به قوانین سازمان ملل متحد زمانی موجه و قانونی است که آن موضوع و حالت به صلح جهانی خطر باشد. افغانستان و منطقه چنین مشخصات را داشت و دارد. پیشبینی های شما در صورت عدم کمک به موقع و درست جامعه جهانی و خطرانی که صلح جهانی را تهدید میکرد و میکند من هم در زمینه مصاحبه هاری در سال نود و چهار قرن گذشته داشتم و اسناد مطبوعاتی آن نزد من موجود است.

دقیق و درست جامعه جهانی در صورت عدم توجه متناسب به موضوع افغانستان و منطقه قیمت های گزاف غیر قابل جبران بیشتر خواهد پرداخت. اگر جامعه جهانی به موقع و درست افغانستان و مردم آن را و مردم منطقه و امر صلح را به صورت درست و دقیق تر به خاطر بیرون رفت از این بن بست و حالت قبل از طوقان و برآمدن ازین منجلاب که خود و جامعه جهانی را غرق خواهد کرد کمک نکند نتایج رقتبار با خود خواهد داشت.

چنانچه بارها گفتم مفاهمه و مذاکره به نیرو های مخالف و نشست به میز مذاکره به معنای قبول نسخه ارایه شده جانب مقابل برای حل مسایل مطروحه کشور نیست. فهم ما درین راستا توافق بر قواعد بازی است تا سخن اخیر را در انتخاب نسخه پیشکش شده براین مسایل مطروحه ملت داشته باشد. درین مورد افراط و تفریط و حاکمیت های مصلحتی خارج از اراده ملت ساختن، پول و رشوه دادن و از دیگر وسایل غیر ستمدرد استفاده کردن مشکل را حل نمی کند بلکه آنرا دوامدار و طولانی میسازد. تدابیری که روی کف (قپ) و یا چوبه غیر مستقر پای گذاشتن و از جویچه جست و خیز زدن مشکل اساسی را حل نمی کند و نه هم خواهد کرد.

ادامه کار پارلمان امروزی و افزودن افراد به انتخاب من و تو و یا دقیق تر بگویم لویه جرگه که به فرمایش این و آن ارتباط تدویر یافته و با آسان سازی به اراده اصلی ملت در یک انتخابات آزاد، شفاف و دیموکراتیک توجه و مرعی الاجرا نباشد روش کاملاً مردود و غیر قابل قبول است.

برای کار از پایین به بالا و از بالا به پایین باید زمینه آنرا مهیا ساخت که ملت از طریق انستیتوت های دموکراتیک و مردمی و بدون تعویض این انستیتوت های قبول شده در یک انتخابات آزاد و شفاف ارایه نظر و انتخاب داشته باشند و به اساس نتایج انتخابات و نهادهای ساختن انستیتوت های دیموکراتیک مذکور کار پیگیر، دوامدار و مدبر صورت بگیرد.

فاعتبروا یاوا لابصار

جناب داکتر صاحب دانشمند و فاضل محترم آقای صلاح الدین سعیدی بعد از عرض سلامهای گرم با ابراز تشکر و تحلیل بسیار عالی شما من در حالیکه به "جناب داکتر صاحب وحید وحیدالله" و به شخصیت شان احترام دارم اما از آغاز اولین مصاحبه جناب شان با تلویزیون آریانا کابل و مصاحبه شان با تلویزیون پیام افغان با نظریات شان موافق نبوده ام و آنچه در طرح خود نوشته اند و یا در مصاحبات خود فرموده اند به خیر افغانستان عزیز نبوده و نمیباشد من عرایض خود را برای خودشان در صحبت تقریباً یکساعته که در همان وقت و زمان داشتم و ایمیلهای خود که نزد من موجود است و همچنان در پروگرامهای مختلف وزین سپینی خبری پیام افغان با صراحت مخالفت خود را ابراز و گفته ام که آنچه جنابشان در مورد افغانستان فکر میکنند و میخواهند نسخه کار خود در "بالکن" را در افغانستان تطبیق فرمایند بخیر و صلاح افغانستان نبود و نمیباشد و همچنان با نماینده جنابشان آقای؛ جاهد صاحب؛ عرایض خود را ابراز داشته ام اما چه بگویم که مرغ "جناب داکتر صاحب وحید وحیدالله" یک پا دارد و هیچ موقف خود را تغییر نمیدهند و من نمیدانم که منبع و اساس طرز فکر و دیدی داکتر صاحب وحید وحیدالله از کدام جا سرچشمه گرفته و میگیرد و چرا خود و نظریات خود را که شخصیت دانشمند هم میباشد با شرایط تاریخی و فعلی افغانستان وفق نمیدهند خودش و خداوند بهتر میداند من گفتمی دیگر ندارم امید جناب داکتر صاحب وحید وحیدالله که من برایشان بحیث یک افغان و کارکن سازمان ملل متحد احترام دارم یک روز به حیث یک فرزند افغان مسءولیت خود را در مقابل مادروطن عزیز که در آغوش پر محبتش پرورده شده درک نمایند

باعرض حرمت

خداوند متعال با همه هموطنان عزیزم باشد

انجنیر فضل احمد افغان